

عائمتنا مآثر أهل النبوة

وموضع أسرارهم وخلفهم الأئمة

فاطمة الزهراء عصمة الأئمة

عنايت حضرت معصومه (س) به شهدا



لناصر كويته

عائمتنا مآثر أهل النبوة
والأئمة المعصومين

عائمتنا مآثر أهل النبوة
والأئمة المعصومين

عائمتنا مآثر أهل النبوة
والأئمة المعصومين

عائمتنا مآثر أهل النبوة
والأئمة المعصومين

عائمتنا مآثر أهل النبوة
والأئمة المعصومين

عائمتنا مآثر أهل النبوة
والأئمة المعصومين

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عنایت حضرت معصومه (س) به شهدا

ناصر کاوه

•

سرشناسه: کاوه، ناصر ۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور: عنایت حضرت معصومه (س) به شهدا / خاطرات دفاع مقدس /
به اهتمام ناصر کاوه.

مشخصات نشر: ۱۴۰۳

مشخصات ظاهری: ۵۹ ص.

شابک :

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- خاطرات

موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- خاطرات

موضوع : شهیدان -- ایران -- بازماندگان -- خاطرات

رده بندی کنگره:

رده بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:

عنایت حضرت معصومه (س) به شهدا

تالیف : ناصر کاوه

گرافیک و طراح : علی کربلانی

تایپ : نرگس کاوه

تدارکات و پشتیبانی : فاطمه عاقلی

مدیر طرح : مهدی کاوه

نوبت چاپ اول : بهار ۱۴۰۳

شمارگان : ۲۰۰۰ نسخه

شابک :

قیمت : ۲۰۰/۰۰۰ تومان

"یاد شهدا را برجسته کنید، زنده کنید، خاطره آنها را حفظ کنید. "مقام معظم رهبری"

این کتاب تقدیم می شود به:

ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین)، امام خمینی (ره)، شهدا از
صدر اسلام تا شهدای انقلاب اسلامی، شهدای دفاع مقدس، شهدای ترور،
شهدای مدافع حرم، شهدای اقتدار، شهدای امنیت، شهدای هسته ای،
شهدای عاشق اهل بیت، علی الخصوص خادمین شهید حضرت معصومه (س)



فهرست

مقدمه/۶

توصیف امام خمینی از آستان حضرت معصومه/۱۴

امام خامنه ای/۱۵

شهید نوروزی/۱۸

شهیده زمانی/۱۹

شهید نبی لو/۲۲

شهید سیاهکالی/۲۳

شهید عسگری/۲۶

شهید مختار بند/۲۷

شهید ایمانی/۳۰

شهید دهقانی/۳۱

شهید عربی/۳۴

شهید قلی زاده/۳۵

شهید مکیان/۳۸

شهید نریمانی/۳۹

شهید جلالی نسب/۴۲

شهید مدافع حرم/۴۳

شهید باقرزاده/۴۶

شهید عبدالله زاده/۴۷

مادر سه شهید/۵۰

همسر شهید مدافع حرم/۵۱

امام خمینی/۵۴

توصیف امام خامنه ای از آستان حضرت معصومه/۵۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
فَاطْمِئِنَّ قُلُوبُنَا
لِإِسْلَامِهَا
وَرَفَعْنَا لَهَا ذِكْرَنَا
وَمَنْ يُؤْمَرْ بِالْحَنَابِلِ
فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ



"زیارت حضرت معصومه معادل زیارت حضرت فاطمه زهراست"

امام رضا (ع) فرمود: کسی که معصومه را زیارت کند پاداش او بهشت است. و همچنین فرمودند: هر کس معصومه را در قم زیارت کند، مانند کسی است که مرا زیارت کرده است و نیز امام جواد (ع) فرمود: کسی که عمه‌ام را در قم زیارت کند پاداش او بهشت است.

مرحوم آیت‌الله سید محمود مرعشی نجفی، پدر آیت‌الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (ره) بسیار علاقه‌مند بود که محل قبر شریف حضرت فاطمه زهرا (س) را به دست آورد. ختم مجرّبی انتخاب کرد و چهل شب به آن پرداخت. شب چهلم پس از به پایان رساندن ختم و توسّل بسیار، استراحت کرد. در عالم رؤیا به محضر مقدّس حضرت امام صادق (ع) مشرف شد. امام به ایشان فرمودند: «عَلَيْكَ بِكَرِيمَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ» یعنی به دامان کریمه اهل بیت چنگ بزن. ایشان به گمان اینکه منظور امام، حضرت فاطمه زهرا (س) است، عرض کرد: قربانت گردم، من این ختم قرآن را برای دانستن محل دقیق قبر شریف آن حضرت گرفتم تا بهتر به زیارتش مشرف شوم. امام فرمود: منظور من، قبر شریف حضرت معصومه (س) در قم است. به دلیل مصالحی خداوند می‌خواهد محل قبر شریف حضرت فاطمه زهرا (س) پنهان بماند؛ از این رو قبر حضرت معصومه را تجلی‌گاه قبر شریف حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله علیها قرار داده است. اگر قرار بود قبر آن حضرت ظاهر باشد و جلال و جبروتی برای آن مقدّر بود، خداوند همان جلال و جبروت را به قبر مطهر حضرت معصومه سلام‌الله علیها داده است. مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی هنگامی که از خواب برخاست، تصمیم گرفت به قصد زیارت حضرت معصومه (س) رهسپار ایران شود و بی‌درنگ همراه خانواده‌اش نجف اشرف را به قصد زیارت کریمه اهل‌بیت (س) ترک کرد. همچنین مرحوم آیت‌الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی در مدت ۶۰ سالی که در شهر قم اقامت داشت، سحرها اولین زائر حضرت معصومه بود. ایشان در طول سال(چه شب‌های سرد زمستان و

چه شب‌های گرم تابستان قم) قبل از اذان صبح در پشت حرم به انتظار می‌ایستاد تا پس از باز شدن درها اولین زائر حضرت باشد. مرحوم علامه سید محمدحسین طباطبایی غروب ماه رمضان با پای پیاده با کھولت سن به حرم حضرت فاطمه معصومه (س) می‌آمد و با بوسه بر ضریح آن حضرت (با کیفیتی مخصوص) روزه خود را افطار می‌کرد سپس به خانه رفته و غذا می‌خورد. وقتی در عصر مرجعیت عامه آیت‌الله العظمی بروجردی، شاه عربستان به ایران آمده بود و توسط سفیر عربستان تقاضای ملاقات با ایشان را نمود، آقا اجازه نفرمودند؟! اطرافیان گفتند مصلحت است که شما اجازه ملاقات بدهید. ایشان فرمودند: او وهابی است اگر به قم بیاید به زیارت حضرت معصومه (س) نمی‌رود و این، هر چند غیر مستقیم، توهینی به ساحت ملکوتی ایشان است. آیت‌الله حسن رضانی می‌گفت: چندین سال قبل، دانشگاه قم برای تجلیل از مقام حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها گردهمایی تشکیل دادند و از من خواستند که واسطه شوم و حضرت استاد علامه حسن زاده آملی را برای این مجمع دعوت کنم. وقتی این مساله را با استاد مطرح کردم با کمال صفا و صمیمیت و تمام وجود، سریعاً قبول کردند. حتی به مسئولین آنجا تماسی نگرفتیم که وسیله‌ای برای حضور استاد در مراسم بفرستند. خود ایشان به محل جلسه تشریف آوردند و به محض حضور در مجلس، جلسه منقلب شد و قرار نبود ایشان سخنی بگویند، اما اصرار مسئولین و دیگران ایشان را به حرف آورد و جمله‌ای که با تمام وجود فرمودند و ابراز کردند و همه را منقلب کرد این بود: «اگر برای من ممکن بود و مواجه با مشکل نمی‌شدم برای تجلیل از شخصیتی مانند فاطمه معصومه (س) این مسیر را سینه‌خیز می‌آمدم!» همچنین علامه می‌فرمود: «ما امام‌زاده زیاد داریم و خود موسی بن جعفر (ع) فرزندان زیادی داشتند، اما کدام یک از ایشان مانند فاطمه معصومه (س) درخشید و منشأ خیرات و برکات شد و باید یک مقام ثبوتی باشد که این مقام اثبات رقم خورده باشد و ای کاش من می‌توانستم در این مسیر این‌طور به محضر شما تشریف پیدا کنم.» جواد بهشتی‌پور، مدیرکل روابط عمومی و امور بین‌الملل می‌گوید: در حرم مطهر ۴۰۰ عالم بزرگ مدفون هستند، که این امر ارادت علما به حضرت را نشان می‌دهد..

عشق و ازادت شهدا نیز به ائمه اطهار علی الخصوص حضرت معصومه(س) ، بر هیچکس پوشیده نیست. بسیاری از شهدا بعد از زیارت آستان مقدس و مطهر حضرت حضرت معصومه(س) به جبهه های نور علیه ظلمت اعزام شدند و خون پاک خود را نثار آبیاری درخت تنومند اسلام و قران کردند. زیارتی که رزمندگان و جانبازان و مدافعان حرم در آن دوران انجام می دادند زمین تا آسمان با زیارتی که نیابتی انجام می شد فرق داشت. شهدای عزیز و بزرگوار اگر شبی در قم بودند، حتما شب را تا صبح در حرم سپری می کردند و در عین تمرکز بر جنگ و جهاد در حرم مطهر حضرت معصومه(س) دعا می کردند و چه دعایی بهتر از دعا در حرم خواهر امام رضا(ع) و مگر می شود امام رضا(ع) به دادِ بچه ها نرسد؟! هنوز هم وقتی برخی مجروحان را که می بینم از دعاهاى توسل حرم یاد می کنند! شهدا در وصایای خود با اشاره به رخصت از حضرت معصومه(س) خواستار باز شدن راه کربلای معلی و حفاظت از حرم های حضرت زینب (س) و حضرت رقیه (س) بودند.

هشت شهید، هشت خادم

حرم حضرت معصومه (س) ۸ نفر از خادمانش را تقدیم دفاع از حرم حضرت زینب (س) کرده است خادمینی که از حرم حضرت معصومه (س) به شوق دفاع از حرم حضرت زینب (س) از قم به دمشق رفتند تا دین خود به خاندان اهل بیت (ع) را به گونه ای دیگر ایفا کنند. شهیدان مدافع حرم حجج اسلام محمدعلی قلی زاده و محمدحسن دهقانی، همچنین مهدی ایمانی، مصطفی نبی لو، مجید عسکری جمکرانی، علی اکبر عربی، حمید مختاربنند و احمد جلالی نسب توفیق خادمی حرم حضرت معصومه (س) را داشتند. حجت الاسلام محمدحسن دهقانی محمدآبادی، استاد حوزه بود که در روز اربعین سال ۹۷ در مجلس روضه اباعبدالله در سوریه به شهادت رسید. او وصیت کرده بود مرا در قم دفن کنید تا در پناه بی بی فاطمه معصومه (س) که سالها حیره خوارش بوده باشم مقداری تربت سیدالشهدا (ع) و مقداری از تربت شلمچه شهدای بزرگ همراهم بگذارید شاید مشمول شفاعت آن ها شوم، همچنین دستمال مشکی اشکم که خدا قبول کند در روضه هایم همراهم

بوده آن را هم همراه بگذارید. شهید مهدی ایمانی فردویی متولد سال ۶۲ بود و این افتخار را داشت که به مدت ۱۴ سال، خادم آستان مقدس فاطمی (س)، مسئول انتظامات صحن مقدس صاحب‌الزمان (عج) و در خدمت زائران حرم حضرت فاطمه معصومه (س) باشد. مهدی روز چهارشنبه ۲۲ آذر پس از چندین بار اعزام داوطلبانه به سوریه، در استان دیرالزور در شرق سوریه به فیض شهادت نائل آمد. این خادم و مدافع سرافراز حرم، در گوشه‌ای از حرم قم و در صحن امام رضا (ع) به خاک سپرده شده است. شهید مصطفی نبی‌لو که در ۳۰ مهر ۶۹ در دفاع از حرم آل‌الله، توسط نیروهای تکفیری وهابی در سوریه به هم‌زمان شهیدش پیوست از خادمین حرم حضرت معصومه (س) بود. مصطفی از رزمندگان دوران دفاع مقدس بود که در چهارمین اعزام به سوریه توسط تک‌تیراندازان تکفیری در لاذقیه به شهادت رسید. معلم شهید مجید عسکری جمکرانی متولد شهر مقدس قم، در جریان آزادسازی شهر بوکمال از آخرین پایگاه‌های داعش در سوریه به فیض عظیم شهادت نائل آمد. شهید علی‌اکبر عربی در سال ۱۳۸۶ در مسجد مقدس جمکران به‌عنوان خادم افتخاری مشغول شدند و در سال ۱۳۹۰ در حرم حضرت معصومه (س) به‌عنوان خادم افتخاری پذیرفته و مشغول به خدمت شد و بهمن سال ۹۴ در درگیری با نیروهای تکفیری و تروریستی و در جریان آزادسازی شهرهای شیعه‌نشین نبل و الزهرا به خیل شهدای مدافع حرم شتافت. شهید حمید مختاربند از خادمین بارگاه مطهر حضرت معصومه (س) ۲۰ مهر ۹۴ در منطقه قنیطره سوریه نزدیک بلندی‌های جولان به شهادت رسید. حمید پس از بازنشستگی مدتی به جمع خدام آستان متبرک حضرت معصومه (س) پیوست. خادم حرم حضرت معصومه (س) شهید احمد جلالی نسب آذر سال ۵۹۳۱ در نبرد با تروریست‌های تکفیری در شهر تدمر سوریه به فیض شهادت نائل آمد و مفقودالایثر شد. شهید احمد جلالی نسب خادم افتخاری حرم حضرت معصومه (ع) و مسجد مقدس جمکران بود...

یاسر محمدی از خادمان و مداحان حرم مطهر حضرت معصومه (س) در نشست کرامت‌گویی از عنایات حضرت معصومه (س) نقل می‌کنند که

در یکی از شهرها به محض اینکه ما وارد آن شهر شدیم دیدیم که تشییع یکی از شهدای مدافع حرم است و با اینکه قرار بود که از آن شهر به شهر دیگری برویم ولی به ما گفتند که به منزل این شهید بروید. به محض اینکه وارد خانه این شهید شدیم همسر شهید گفت که شما را حضرت معصومه (س) فرستادند و تعریف کرد که یکی دو ماه قبل من با همسر من نشسته بودیم و ایشان می‌گفت که ما برای همه اهل بیت (ع) در خانه مراسم گرفتیم غیر از حضرت معصومه (س) بنابراین دوفری عهد بستیم که امسال در روز رحلت حضرت معصومه (س) یک روزه برای ایشان در خانه بگیریم؛ این جریان گذشت و همسر من به سوریه رفت و شهید شد و به قدری ما درگیر مراسم شهادت و تشییع بودیم که فراموش کرده بودم که ما با حضرت معصومه (س) چنین عهدی بسته بودیم تا اینکه شما به این شهر آمدید و قرار شد که به خانه ما بیایید؛ آن وقت آن عهدی که با شهید بسته بودیم یاد آمد و برای همین می‌گویم که شما را خود حضرت معصومه (س) فرستاده است. در یکی از استان‌ها مادر ۳ شهید همسایه مسجد بود و سه بار به مسجد آمده و هر بار می‌گوید مطمئن هستم که خادم‌ها به خانه من می‌آیند. پرسیدم که خانه این مادر شهید کجاست؟ وقتی خانه را به من نشان داد همین که زنگ درب خانه مادر شهید را زدیم با اینکه ما اطلاع نداده بودیم که به آنجا می‌رویم و معلوم نبود که چه وقتی به آن مسجد برویم، درب که باز شد دیدیم که این مادر شهید اسفند دود کرده بود و میوه و شیرینی هم گذاشته بود و گفت من منتظر شما بودم و می‌دانستم که خانم شما را می‌فرستد.

در یکی از شهرها وقت نماز مغرب و عشا برنامه‌ای در امامزاده آن شهر داشتیم و یک زمان نیم ساعته از برنامه قبلی اضافه آمد و داشتیم مسیر را به سمت امامزاده می‌رفتیم و رئیس بنیاد شهید آن شهرستان هم در ماشین ما بود؛ من به او گفتم که می‌شود یک خانواده شهید هماهنگ کنید که به خانه آنها برویم او هم گفت: یک شهید مدافع حرم داریم که خانه اش در مسیرمان است و زنگ زد و هماهنگ کرد تا ما به خانه آن شهید برویم

ما رفتیم در زدیم و همسر شهید درب را باز کرد و به قدری گریه می‌کرد که نمی‌توانست با ما صحبت کند و حدود ده دقیقه این فضا حاکم بود و ما هم متبرکات را به ایشان دادیم و پرچم را بردیم که زیارت کنند و از آنجا رفتیم بعد از اینکه رفتیم و حال همسر شهید بهتر شده بود

به ما تماس گرفت و گفت من دو بچه کوچک دارم که خیلی بی‌تابی می‌کردند و دیروز خیلی از نظر روحی حال خوبی نداشتم و شب به حضرت زهرا (س) استغاثه کردم و دو رکعت نماز خواندم و خوابیدم، شب در خواب دیدم درب خانه را می‌زنند درب را که باز کردم دیدم یک بانوی نورانی محجبه روبروی خانه ما بودند و فرمودند تعارف می‌کنی به خانه شما بیایم؟

وقتی ایشان را تعارف کردم دیدم جمعیتی در خانه ما هستند بانو بنده را بخاطر رعایت حجاب تحسین کرد؛ در همین عالم خواب به ایشان گفتم چه می‌شد که فردا روز دختر است ما در حرم شما می‌بودیم؛ همین که امروز رئیس بنیاد شهید به من زنگ زد که خادمان حرم به خانه شما می‌آیند با اینکه می‌دانستم که این بانو کریمه هستند ولی هیچوقت اینگونه با تمام وجودم کریمه بدونشان را احساس نکرده بودم و آن گریه من از خوشحالی بود که دعایم را اجابت کرده بودند.

کتاب را بنند و بقیه را خودت ورق بزن و بخوان. با حول وقوه الهی، با توسل به چهارده خورشید منور و با استعانت از شهدا از میان هزاران خاطره و به رسم چیدن بهترین گل‌های معطر و تهیه خوش‌بوترین عطرها و با امید برآمدن هزاران آرزو با نام مقدس و مبارک «امام زمان (عج)» و با «رمز یا زهرا (س)» نوشتن کتاب «شهدای امام رضایی» را شروع می‌کنیم، تا انشاءالله مورد رضایت و خشنودی «خداوند عزوجل» واقع گردد...

ارادتمند: ناصر کاوه

عليها السلام

يا فاطمة معصومة



یا فاطمه زهرا

«توجه امام خمینی به اهمیت و جایگاه حضرت معصومه(س)»

یکی از رفتارهایی که راجع به امام خمینی به تواتر و فراوان نقل کرده اند، توجه حضرت امام در قم به زیارت هر روز حرم مطهر حضرت معصومه بود. امام خمینی مقید بودند در کنار مرقد شریف حضرت معصومه(س) حاضر شوند و توجه خاصی داشتند که روزانه خودشان را به زیارت حضرت برسانند و زمانی که حتی در مسجد سلماسی درس می گفتند زیارت شان ترک نمی شد و زمانی که درس و بحث شان گسترش پیدا کرد و به مسجد اعظم آمدند، همچنان به زیارت حضرت معصومه(س) مداومت داشتند. مرحوم رسولی محلاتی نقل می کردند که، امام تا وقتی که در قم بودند به طور مرتب هر روز پس از درس صبح و گاهی هم پس از درس عصر به حرم حضرت معصومه (س) و هنگامی که در نجف اشرف بودند هر شب ساعت سه از شب گذشته به حرم مطهر امیر المومنین(ع) مشرف می شدند و معمولاً هم زیارت جامعه را می خواندند و یا مرحوم امامی کاشانی نیز نقل می کردند که، ایامی که در محضر مبارک امام در قم بودم هر روز بعد از ظهر شاهد بودم که پس از اتمام جلسه درس ایشان به حرم مطهر معصومه(س) مشرف می شدند و من هیچ به یاد ندارم که به حرم رفتن ایشان تعطیل شده باشد و در حوزه هم معروف بودند که مقید به زیارت هستند...

کتاب شهدا و اهل بیت، ناصر کاوه

منبع: حوزه-ش ۲۷ و ۲۸

رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران
امام خمینی(ره)



یا فاطمه

«توجه خاص امام خامنه ای به حضرت معصومه(س)»

«این بانوی بزرگوار، این دختر جوان تربیت شده‌ی دامان اهل بیت پیغمبر، با حرکت خود در جمع یاران و اصحاب و دوستان ائمه (علیهم السّلام) و عبور از شهرهای مختلف و پاشیدن بذر معرفت و ولایت در طول مسیر در میان مردم و بعد رسیدن به این منطقه و فرود آمدن در قم، موجب شده است که این شهر به عنوان پایگاه اصلی معارف اهل بیت (علیهم السّلام) در آن دوره‌ی ظلمانی و تاریک حکومت جباران بدرخشد و پایگاهی بشود که انوار علم و انوار معارف اهل بیت را به سراسر دنیای اسلام از شرق و غرب منتقل کند.» ۲۹/۷/۱۳۸۹. ما باید از حضرت معصومه علیها السلام، بیشتر استفاده کنیم. ایشان امامزاده بلافصل است. دختر امام، خواهر امام، عمه امام، خیلی عظمت دارد. در زیارت نامه ایشان آمده: در زیارت نامه ایشان آمده: «یا فاطمة اشفعی لی فی الجنة فان لك عند الله شأنا من الشأن» یعنی اینکه «ای فاطمه معصومه! تو برای ورود من به بهشت شفاعت کن، چون نزد خدا دارای شأن و مقام بزرگی هستی.» ۲۸/۴/۷۱... «قم، حرم مطهر و مضجع شریف حضرت فاطمه معصومه علیها سلام است؛ آن بزرگواری که این سرچشمه جوشان و خروشان نخستین بار از کنار مرقد او جوشید و برکاتش به همه عالم و بخصوص به دنیای اسلام رسید.» ۱۴/۷/۷۹

کتاب شهدا و اهل بیت، ناصر کاوه
منبع: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر
آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای

مقام معظم رهبری
امام خامنه ای







یا فاطمه زهرا

«مدد از حضرت معصومه (س)؟»

مهدی از همان ابتدا نسبت به رعایت فرهنگ حجاب و عفاف تأکید داشت. اصلاً دوست دوست نداشت که زن های بدحجاب به مراسم عروسی مان بیایند. نزدیک عروسی که پدرم داشت لیست مهمانان را آماده می کرد، عده ای از آنها خانواده هایی بودند که خانم های شان بدحجاب بودند. احترام پدرم را داشت و جلوی چیز ننگی نگفت؛ اما دو روز خانه مان نیامد. در همین دو روز زنگ زده بود به پدرم که: «من مریم را در ۲۹ سالگی پیدا کردم. اگه این مسئله باعث بشه که شما بگین مریم را بهت نمیدم، شما بدونید تا آخر عمرم زن نمی گیرم؛ اما اجازه هم نمیدم خانم بدحجاب تو مراسم عقد و عروسی من بیاد و گناه تو مراسم بشه». پدرم هم راضی شده بود. من هم راضی بودم. من دلم با مهدی بود. پنج شبه که آمد گفت: «بیا بریم قم هم زیارتی بکنیم و هم مددی بگیریم از حضرت معصومه (س) برای بقیه کارها». حرم که بودیم. زنگ زد به یکی از علما تا از قرآن مدد بگیریم. آیه ای درباره زوج های بهشتی آمد که آن دنیا هم کنار همدیگر خواهند بود. آنجا با همدیگر عهد بستیم که با هیچ خانواده بدحجابی رفت و آمد نکنیم. موقع برگشت النگویم را از دستم درآوردم و هدیه کردم به حرم حضرت معصومه (س)...

کتاب شهدا و اهل بیت، ناصر کاوه
راوی: همسر شهید _ منبع: کتاب دیدار پس از غروب

شهید مهدی نوروزی



یا فاطمه زهرا

«امضای شهادت توسط حضرت معصومه (س)»

خواهرم به اتفاق همسرش و پسر شش ماهه‌اش برای زیارت در روز میلاد حضرت معصومه (س) راهی حرم ایشان شدند. در نزدیکی حرم، منافقین خودرویی بمب‌گذاری شده را پارک کرده بودند. با انفجار این خودرو، خواهرم از ناحیه ران پا مجروح و به بیمارستان امام حسین (ع) تهران اعزام شد. نزدیک به ۲۲ روز زنده بود و در نهایت بر اثر از کار افتادن کلیه، در هنگام دیالیز شدن در آمبولانس اورژانس بیمارستان به شهادت رسید. شهادت او هم‌زمان با عید قربان بود. خواهرم ۱۸ ساله بود که ازدواج کرد و خیلی جوان بود که شهید شد و بیشتر از ۱۸ ماه با همسرش زندگی نکرد. هنگامی که ازدواج می‌کرد، ۱۳ ساله بودم. به یاد دارم که خواهرم دختری بسیار مومن و با ایمان بود. همیشه در نماز جمعه و دعای کمیل شرکت می‌کرد. نماز شبش ترک نمی‌شد. من هم تلاش کردم همیشه یادش را زنده نگه دارم و مسیر او را ادامه دهم. وقتی خواهرم به شهادت رسید، مادرم خیلی غصه‌دار و غمگین شد. هرگز منافقین را که مسبب این حادثه بودند را نبخشید. مادرم می‌گفت دخترم به ناحق از دست رفت. گوی خواهرم می‌دانست که شهادت قسمتش می‌شود. همیشه می‌گفت که دوست دارم اگر شهید شدم، در حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شوم!

کتاب شهدا و اهل بیت، ناصر کاوه
راوی: خواهر شهیده _ منبع: نوید شاهد

شهیده معصومه زمانی





سرچشمه برکات

قم، حرم مطهر و مضع شریف حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است
آن بزرگواری که این سرچشمه‌ی جوشان و خروشان نخستین بازار کتار مرقد
او جوشید و برکاتش به همه‌ی عالم و بخصوص به دنیای اسلام رسید.



بدرقه ستاره‌ها

این دختر جوان تربیت شده‌ی دامان
 اهل بیت پیغمبر ﷺ با پاشیدن
 بذر معرفت و ولایت در طول مسیر
 وبعد رسیدن به قم، موجب شد که
 این شهر به عنوان پایگاه اصلی معارف
 اهل بیت (علیهم السلام) بدرخشد.



جمهوری اسلامی
 ایران



وزارت
 فرهنگ

یا فاطمه زهرا

«شهادتش را از حضرت معصومه(س) گرفت؟»

شهید نبی لو بعد از ۸ ماه از اولین اعزام شان شهادت شان را از حضرت معصومه(س) هدیه گرفتند. مصطفی بعد از زیارت حضرت، با ایشان اتمام حجت کرده و گفته بودند: یا حضرت معصومه(س)! من دیگر به هیچ بنی بشری برای اعزام زنگ نمی‌زنم و کسی که این قدر پیگیر بود دیگر اصلاً پیگیری نکرد؟ جالب اینکه بعد از چند روز زنگ زدند و گفتند نیروی رزمی مهندسی نیاز داریم و اگر رانندگی لودر و بولدوزر بلد هستید فردا ساعت ۸ صبح به سوریه اعزام هست و با مدارک برای اعزام اقدام کنید! در اعزام سوم که به زیارت حضرت معصومه(س) رفته بودیم به حضرت گفته بودند، بیا کرم کن و مرا به حضرت زینب(س) ببخش. جالب اینکه دقیقاً روز شنبه که روز کشیک شان در حرم حضرت معصومه(س) بود به بی بی زینب(س) بخشیده شدند و روز شهادت شان در این روز بوده است. فراق سخت است اما همین که اهل بیت(ع) به من و فرزندانم نظر دارند برای مان کافی است و این بزرگ‌ترین نعمتی است که شامل حال ما شده است، تمام سعی مان این است زمینه‌سازی برای حضور آقا امام زمان(عج) کنیم و بتوانیم تأثیری در ظهور آقا داشته باشیم. ما خدا رو شکر می‌کنیم که توانستیم ذره‌ای از آن رنج‌هایی که اهل بیت(ع) کشیده‌اند را بچشیم و بتوانیم این نعمت را حفظ کنیم، ان شاء الله بتوانیم خون شهدا را حفظ کنیم و تأثیرگذار در جامعه خود باشیم...

کتاب شهدا و اهل بیت، ناصر کاوه
راوی: همسر شهید _ منبع: خبرگزاری تسنیم از قم

شهید مصطفی نبی لو



یا فاطمه زهرا

«یا حضرت معصومه (س) از شما ممنونم؟»

در ایام عقد موقت بودیم با شهید حمید سیاهکالی رفته بودیم حلقه ازدواج بخریم. موقع برگشتن سر حرف که با حمید باز شد گفت: «یه چیزی می گم لوس نشی ها. یک هفته قبل از اینکه برای بار دوم بیایم خانه شما برای خواستگاری، رفتم حرم حضرت معصومه (س) و به خانم گفتم: یا حضرت معصومه (س)، آیا می شود من را به اون که دوستش دارم و دلم پیشش مانده برسانی؟ یادت باشه من تو را از حضرت معصومه گرفتم.» بعد از مراسم عروسی هم که با فامیل ها خداحافظی کردیم و آمدیم خانه، بعد از آنکه قرآن خواندیم، حمید سجاده انداخت و بعد از نماز از حضرت معصومه (س) تشکر کرد. خیلی جدی به این عنایت اعتقاد داشت و بعد از هر نماز دست هایش را بلند می کرد و همان جمله ای را که موقع سال تحویل، رو به حرم حضرت معصومه (س) گفته بود تکرار می کرد که: «یا حضرت معصومه (س) ممنونم که خانم را به من دادی و من را به عشقم رساندی.»

کتاب شهدا و اهل بیت، ناصر کاوه
راوی: همسر شهید _ منبع: کتاب یادت باشه

شهید حمید سیاهکالی







یا فاطمه زهرا

«زائر هر روز حضرت معصومه (س) بودا»

مجید چندین بار به زیارت امام رضا (ع) میرفت و در اربعین حضوری چشمگیر داشت، عاشق نماز شب بودند و اغلب در حرم حضرت معصومه (س) نماز شب را به جای می آورد، شبها زود می خوابید تا سحر برای نماز شب بیدار شود و به حرم برود. قلب رئوفی داشت و از غیبت و تهمت و دروغ اجتناب می کرد. همواره راضی به رضای خدا بود. نسبت به نماز شب و زیارت هر روزه حرم مطهر حضرت معصومه (س) بسیار مقید بود و اگر یک مرتبه بنا به دلایلی نمی توانست این مستحبات را انجام دهد، حتما قضای آن را به جا می آورد و در این مساله اهتمام زیادی داشت. مجید نسبت به پدر و مادر بسیار متواضع و در خدمت شان بود و هرگاه به خانه شان می آمد، پیشانی پدر و دست مادر را می بوسید و خیلی بی ریا به خانه اقوام رفت و آمد می کرد و صله رحم را بر خود واجب می دانست. مجید حتی به فکر لبخند در عکس شهادت خود نیز بود و چهار ماه قبل از شهادتش به یکی از دوستانش گفته بود عکسی را در حالی که لبخند به لب دارد از او بگیرد. یکبار که من مخالف رفتن مجید به سوریه بودم به من گفتم: اگر ما در عزاداریها میگوئیم، یا اباعبدالله اگر ما در روز عاشورا بودیم، شما را یاری می کردیم، امروز روز عاشورا است که باید ما برای دفاع از حرم اهل بیت (ع) اقدام کنیم. مجید می گفت: آن خدایی که مراقب خاندان اهل بیت (ع) بود، مراقب خانواده من نیز هست...

کتاب شهدا و اهل بیت، ناصر کاوه
راوی: برادر شهید _ منبع: به گزارش ایرنا

شهید مجید عسگری



یا فاطمه زهرا

«همسایه و خادم حضرت معصومه(س)»

یکی از برادرانش به نام بهنام محمود مختار بند به شهادت رسید و برادر دیگرش نیز به اسارت دشمن در آمده بود. بعد از اقدامات ارزنده اش به عنوان جانشین فرمانده سپاه شوشتر معرفی شد، بعد به قراگاه کربلا و سپس مدیریت ستاد تیپ ۵۱ حضرت حجت، مسئولیت بعدی ایشان بود و پس از آن در بازرسی لشکروی عصر(عج) منتقل و سپس مسئول آماد لشکر ولی عصر(عج) شد. در نهایت به عنوان مدیر شعب بانک انصار خوزستان و پس از ۵ سال تلاش پیگیرانه به عنوان مدیر شعب بانک انصار قم انتخاب شد. سال ۸۲ بود که به خاطر مسئولیت جدیدی که به حاجی محول شد باید به قم نقل مکان می کردیم؛ حاج حمید خیلی خوشحال شد که هم جوار حضرت معصومه(س) می شویم؛ پس از بازنشستگی به جمع خدام آستان متبرک حضرت معصومه پیوستند. این اواخر می گفت: من از دنیا دل کنده ام و انقلاب را با جان و دل دوست دارم و تکلیف ما را «ولایت فقیه» روشن کرده است. یکبار از سوریه که آمده بود؛ مرا صدا زد و دندان شکسته اش را نشانم داد. پرسیدم: این کار برای چیست؟ گفت: اینها نشانه است برای اینکه اگر نیاز بود مرا شناسایی کنید در خاطرتان باشد. من به شدت احساساتی شدم و گریه کردم. حمید گفت: تو می دانی شهادت یعنی چه؟ یعنی من زودتر می روم بهشت و برای شما جا می گیرم تا شما بیایید...



کتاب شهدا و اهل بیت، ناصر کاوه
راوی: همسر شهید - منبع: به گزارش ایسنا/قم

شهید حمید مختار بند



حضرت معصومه (علیها السلام)، این دختر جوان تربیت شده ی دامان اهل بیت پیغمبر، با عبور از شهرهای مختلف و پاشیدن بذر معرفت و ولایت در میان مردم و بعد رسیدن به قم، موجب شده است که این شهر پایگاهی بشود که انوار علم و معارف اهل بیت را به سراسر دنیای اسلام منتقل کند.

۱۳۸۹
۸۹/۷/۲۹



معصومه‌ی بهشت

ما باید از حضرت معصومه علیها السلام، بیشتر استفاده کنیم؛ ایشان امامزاده بلافصل است. دختر امام، خواهر امام، عمه امام، خیلی عظمت دارد. در زیارت‌نامه ایشان آمده: «ای فاطمه معصومه! تو برای ورود من به بهشت شفاعت کن، چون نزد خدا دارای شأن و مقام بزرگی هستی.»



سیدما

رهبر انقلاب
۷۷/۶/۲۸

یا فاطمه زهرا

«وقتی کارمند حضرت معصومه (س) شهید شدا؟»

مهدی کارمند حرم حضرت معصومه (س) و مسئول صحن صاحب الزمان (عج) بودند و به قدری اشتیاق به خدمت حضرت در وجودشان حاکم بود که خدمت به زائران را بر هر کار دیگری ارج می‌دانست و از هر لحظه‌ای بدون در نظر داشتن روز تعطیلی برای حضور در بارگاه نورانی آن حضرت بهره می‌جست و با این گفته که هیچ‌گاه حضرت را تنها نخواهد گذاشت روزگارش را به بهترین حال سپری می‌کرد. با علم به علاقه و اشتیاق که آقا مهدی به شهادت داشتند درحالی‌که لحظه‌ای نمی‌توانستم نبود ایشان را باور و تحمل کنم، در آخرین سفری که به مشهد الرضا داشتیم، گویی سرنوشت چیز دیگری را برایمان رقم زده بود. وقتی خود را در حریم رضوی یافتیم همه وجودم غرق در احساس رضای الهی شد و با آرزوی عاقبت به‌خیری همسرم از دست کشیدم. شهید ایمانی در فرازی از وصیت‌نامه اش نوشته، از شهدا شرمنده‌ام که خیلی دیر به درک حقیقت وجودی‌شان پی بردم از خداوند متعال و حضرات معصومین و شهدا ممنونم که به گریه‌های شبانه این حقیر جواب دادند و خبر اعزام این بنده گناهکار را به‌عنوان مدافع حرم حضرت زینب (س) و خانم حضرت رقیه (س) دادند و حال که صهیونیست خون‌خوار، انگلیس مکار و آمریکای جنایتکار، وهابیت و سعودی خیانت‌کار قصد براندازی حرم‌های اهل‌بیت (ع) را دارند و با حمله ناجوانمردانه و وحشیانه به زنان و فرزندان و طفل‌های شیرخواری که هیچ پناهی ندارند به فکر خود قدرت جهانی هستند و با قدرت نمایی برای کودکان بی‌سرپرست قصد کشورگشایی دارند این وظیفه را بر خود دیدم که به کمک این مردم بی‌گناه و دفاع از حرم اهل‌بیت عازم شوم..

کتاب شهدا و اهل بیت، ناصر کاوه

راوی: همسر شهید _ منبع: گزارش خبرگزاری بسیج از قم

شهید مهدی ایمانی



یا فاطمه

«مرا در پناه حضرت معصومه (س) دفن کنید»

از همان نوجوانی دلش با شهدا بود. ایام نوروز که می‌رسید، نمی‌توانست در شهرشان بماند و عازم راهیان نور می‌شد. از شملچه تربت شهدا را هم برداشته و برای روز مبدا نگه می‌داشت. دلدادگی به مسیر شهدا در کارها و برنامه‌ها و رفتارش پیدا بود. سال ۹۴ بزرگداشت شهدای روحانی را در مسجد محله‌شان برگزار کرد. در سال ۹۵ دبیری ستاد بزرگداشت شهدای روحانی را بر عهده گرفت تا اینکه از نمایندگی، ولی فقیه در سپاه قدس از او خواستند برای تبلیغ بین رزمندگان مدافع حرم به سوریه بروند. او در ماه مبارک رمضان راهی سوریه شد. در آنجا شهید دهقانی که مدرس و مبلغ بود، لباس تبلیغ‌اش تبدیل به لباس رزم شد. شهیدی که سال‌ها قبل از جنگ سوریه با ورزش‌های رزمی مثل تکواندو خود را به لحاظ جسمی آماده جهاد کرده بود. قبل از آخرین اعزام مادرش به او گفت: برای اربعین همه به کربلا می‌روند، تو داری به سوریه می‌روی؟ محمدحسن جواب داد: حضرت زینب (س) تنهاست؛ می‌روم تا تنها نباشد. شهید دهقانی که از خادمین حرم حضرت معصومه (س) و عاشقان مسیر شهدا بود، در وصیت‌نامه‌اش این عشق و ارادت دیده می‌شود در وصیت‌نامه‌اش نوشته است: مرا در قم دفن کنید تا در پناه بی‌بی فاطمه معصومه (س) که سال‌ها جیره‌خوارش بوده باشم. مقداری تربت سیدالشهدا (ع) و مقداری از تربت شهدای شلمچه را همراهم بگذارید. شاید مشمول شفاعت آن‌ها شوم. همچنین دستمال مشکی اشکم که خدا قبول کند در روضه‌هایم همراهم بوده آن را هم همراه بگذارید.

کتاب شهدا و اهل بیت، ناصر کاوه

راوی: همسر شهید - منبع: گزارش خبرگزاری بسیج از قم

شهید محمد حسن دهقانی



۲۲
دار علیا
فاطمه
المعصومه



اعجاز این ضریح که همواره بی حد است



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مَدِينَةُ
الْمَدِينَةِ
وَمَدِينَةِ
وَمَدِينَةِ

چیزی شبیه پنجره فولاد مشهد است

یا فاطمه زهرا

«خادم افتخاری حضرت معصومه (س)»

شهید عربی عاشق امامت و اهل بیت (ع) و ولایت مدار و مطیع امر رهبر بود و در تربیت فرزندان سفارش می کرد و زندگانی ائمه اطهار (ع) را به عنوان الگو برای آنان معرفی کنم. علی اکبر همواره حمایت از ولایت فقیه را ضروری می دانست و آخرین توصیه ها قبل از شهادتش این بود که نگاه ما باید نظر رهبری باشد و مطیع فرمایش های معظم له باشیم. یکی از ویژگی های بارز علی اکبر خواندن نماز اول وقت بود که همیشه به این فریضه واجب دینی توجهی خاص داشت و این خصلت از ویژگی های مشترک بین شهدا است. شهید عربی مانند بقیه شهدا با خواست قلبی خود به نبرد با گروه های فاسد تکفیری در سوریه رفت و اجر و مزد خودش را با شهادت در راه اهل بیت (ع) دریافت کرد. شهید عربی در سال ۱۳۸۶ در مسجد مقدس جمکران به عنوان خادم افتخاری مشغول شدند و در سال ۱۳۹۰ در حرم حضرت معصومه (س) به عنوان خادم افتخاری پذیرفته و مشغول به خدمت شد و بهمن سال ۹۴ در درگیری با نیروهای تکفیری و تروریستی و در جریان آزادسازی شهرهای شیعه نشین نبل و الزهرا به خیل شهدای مدافع حرم شتافت. همیشه سعی می کرد به دیگران کمک کند و همواره ولایت مدار و مطیع امر رهبری بود؛ اگر اضافه کاری در سپاه به او می دادند، صرف کمک به مستمندانی که می شناخت می کرد.

کتاب شهدا و اهل بیت، ناصر کاوه
راوی: همسر شهید _ منبع: به گزارش ایسنا/قم

شهید علی اکبر عربی



يا فاطمه بنت المصوم

«خادم حضرت معصومه(س) با شهادت رفت؟»

یکی از خادمان حضرت معصومه(س) نقل می کند ایشان را در خواب دیده و از او پرسیده که آیا در آنجا به شما سخت نمی گذرد که شهید قلی زاده هم جواب می دهد، نه اینجا با همه شهدا جمع می شویم و خدمت امام زمان(عج) می رسیم. قلی زاده می گفت: ما اگر نعمت بزرگ ولایت فقیه را در کشورمان نداشتیم چه بسا وضعیتی بدتر از عراق و سوریه پیدا می کردیم و عزت و امنیت امروز را نداشتیم. شهید محمد علی قلی زاده می گفت: اگر من به سوریه می روم به خاطر حمایت از ولی فقیه است که نائب امام زمان(عج) می باشد و امروز ما باید دین خدا را یاری کنیم و این تکلیف مرز و جغرافیایی نمی شناسد. محمد علی بیش از هر چیز روی رعایت مسایل دینی و شرعی و همچنین دفاع از ولایت فقیه تاکید و حساسیت فوق العاده ای داشت. محمد علی در مسئولیت های مختلفی که در نمایندگی ولی فقیه در سپاه داشت، همیشه یک مساله را در صحبت هایش مدنظر قرار می داد و آن هم این که از خدا بخواهیم که عاقبت به خیر شده و مسیر زندگی دنیایی اش به شهادت ختم شود. این شهید بزرگوار تاکید می کرد که امروز اگر گوش و چشم دل را باز کنیم متوجه می شویم که ندای هل من ناصر حسین بار دیگر به گوش می رسد و اگر ما واقعاً بخواهیم جواب فرزند حضرت زهرا(س) را بدهیم، باید به هر شکل ممکن در دفاع از حرم اهل بیت(ع) بکوشیم...

کتاب شهدا و اهل بیت، ناصر کاوه

راوی: همسر شهید _ منبع: گزارش خبرگزاری بسیج از قم

شهید محمد علی قلی زاده



دختر اهل بیت

حضرت معصومه علیها السلام

این دختر جوان تربیت شده‌ی
دامان اهل بیت، با پاشیدن
بذر معرفت و ولایت در میان
مردم، موجب شد که قم
پایگاهی بشود که انوار علم و
معارف اهل بیت را به سراسر
دنیای اسلام منتقل کند.

عزیز ما

رضا عظیمی
۱۳۹۷





Calligraphic inscriptions in Persian script, likely in Shikasta style, on a blue background band around the dome. The text includes the name of the Imam and the year of construction.

Calligraphic inscriptions in Persian script, likely in Shikasta style, on a blue background band at the base of the dome. The text includes the name of the Imam and the year of construction.

یا فاطمه زهرا

«ولیمه هر ساله برای حضرت معصومه (س)؟!»

خواستہ یا ناخواستہ بین احمد و حضرت معصومه (س) پیوندی برقرار بود. مراسم عقد ازدواجش هم در حرم حضرت معصومه (س) برقرار شد. هیئت که می رفت مشکلات عقیدتی داشتند. روی فکر احمد هم تأثیرش را گذاشته بود. با آنکه هر شبہ ای که مطرح می کردند می آمد و جوابش را می گرفت، اما کم کم نسبت به رهبر انقلاب بی میل شده بود. وقتی که قرار بود مقام معظم رهبری قم بیایند، می خواستیم برویم مراسم استقبال، هر چه من و مادرش اصرار کردیم نیامد. خیلی ناراحت شدم. وقتی چشمم به گنبد حضرت معصومه (س) افتاد، گریه کردم و گفتم: «یا حضرت معصومه! من سلامت فکری و عقیدتی بچه ام را از شما می خواهم. کاری کنید که منحرف نشود». وقتی از مراسم برگشتیم. احمد خانه نبود. وقتی آمد خیلی شاد و سرحال بود. با دوستانش رفته بودند مراسم استقبال. به حدی نزدیک شده بودند که آقا به ایشان سلام کرده بود. بعد از آن مراسم بود که دیدگاهش نسبت به رهبری تغییر کرد و از حامیان سر سخت رهبری شدند. احمد دفتری داشت که همیشه همراهش بود. یک روز بازش کردم. بالای صفحه ای نوشته بود نذورات. داخل صفحه نوشته بود چهار گوسفند نذر می کنم. وقتی پرسیدم، گفت: وقتی دوستم زخمی شده بود برای سلامتی اش چهار گوسفند نذر ردم. کمی پائین تر نوشته بود: «هر سال وفات حضرت معصومه (س) ولیمه می دهم با یک گوسفند». گفت نذر کرده بودم اگر از شما جواب مثبت گرفتیم به شکرانه اش هر سال ولیمه بدهم.

کتاب شهدا و اهل بیت، ناصر کاوه

راوی: پدر و همسر شهید _ منبع: کتاب سند گمنامی

شهید احمد مکیان



یا فاطمه زهرا

«عاشق زیارت حضرت معصومه (س) بودا؟»

خانواده محمود برای خواستگاری، چهار جلسه به خانه ما آمدند هر بار آقا محمود به همراه دو تا از خواهرانش می‌آمد تا من با تمام اعضای خانواده اش آشنا بشوم. هر بار محفل آشنایی ما گرم‌تر و صمیمی‌تر می‌شد و احساس می‌کردم که با آن‌ها بیشتر انس می‌گیرم. در یکی از دیدارها در مورد شغل صحبت کرد و گفت: «کار من ماموریت های خطرناک و زیاد داره. ممکنه یه روز برم و دیگه برنگردم.» این را گفت و کمی سکوت کرد. منتظر بود عکس العمل مرا ببیند. سرم را بالا آوردم و گفتم: «اولاً، مرگ دست خداست و من هم اعتقاد دارم که در امن ترین مکان هم ممکن اجل آدم بیاد سراغش. ثانیاً، مگر آسمونی شدن فقط برای آقایونه؟! شاید من زودتر از شما رفتم.» محمود عاشق حرم حضرت معصومه (س) بود و مدام برای زیارت به شهر قم می‌رفتیم اگر میل زیارت پیدا می‌کرد، کسی جلودارش نبود. به شوخی و جدی می‌گفت: «خانوم، هر وقت اسم حضرت معصومه (س) را آوردم، چند دقیقه باید لباس پوشیده جلوی در خونه آماده حرکت باش.» اوایل زندگی‌مان که این حرف را می‌زد، برایم عجیب بود و کمی سخت. اما بعد از مدتی من هم به زیارت حضرت انس گفتم. احساس می‌کردم در زیارت‌ها درک و معرفت بیشتری پیدا کرده‌ام و در زندگی‌ام آرامش را بیشتر احساس می‌کردم. همزمان با روند رو به رشد پیروزی های رزمندگان اسلام در برابر داعش و نیروهای تکفیری، دهم مرداد سال ۱۳۹۵ در جریان خون سازی و جمع آوری بمب های خوشه ای در منطقه حمه سوریه به شهادت رسید

کتاب شهدا و اهل بیت، ناصر کاوه

راوی: همسر شهید _ منبع: نوید شاهد البرز

شهید محمود نریمانی





بانویی که انوار علم را به سراسر دنیای اسلام منتقل کرد

این بانوی بزرگوار، این دختر جوان تربیت شده‌ی دامان اهل بیت پیغمبر، با حرکت خود در جمع یاران و اصحاب و دوستان ائمه (علیهم‌السلام) و عبور از شهرهای مختلف و پاشیدن بذر معرفت و ولایت در طول مسیر در میان مردم و بعد رسیدن به این منطقه و فرود آمدن در قم، موجب شده است که این شهر به عنوان پایگاه اصلی معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) در آن دوره‌ی ظلمانی و تاریک حکومت جباران بدرخشد و پایگاهی بشود که انوار علم و انوار معارف اهل بیت را به سراسر دنیای اسلام از شرق و غرب منتقل کند.



یا فاطمه

«خادم و مسئول تنظیف حرم حضرت معصومه(س)»

احمد انسانی متواضع و بی ریا، دستگیر محرومان، مقید به انجام فرائض دینی به خصوص نماز اول وقت در مسجد بود و به خواندن قرآن علاقه داشت و از فرزنداناش می‌خواست تا برایش قرآن بخوانند و ایشان با مهربانی تصحیح می‌کردند. به اهل بیت عشق می‌ورزید و به دیگران توصیه می‌کرد پیرو ولایت ائمه اطهار و ولی فقیه زمان خود باشند. علاقه زیادی به آیت الله خامنه‌ای داشت. شرط شهید با همسرش احترام و پاسداشت ویژه به لباس مقدس پاسداری بود به نحوی که خود هرگز، این لباس مقدس آغشته به خون مطهر شهدا را درطول خدمت بدون وضو نپوشید و همسر مکرمه اش نیز هیچگاه این لباس مقدس را به همراه لباس‌های دیگر و بدون وضو نشست. در حالی که تنها چند ساعت از دامادی پسرش گذشته بود، برای دفاع از مردم مظلوم سوریه در حالی که پشت خودرو زرهی در حال تیر اندازی بود، مورد اصابت موشک کروز قرار گرفت و به درجه رفیع شهادت نائل آمد و پس از تشییع در حرم حضرت معصومه(س) در گلزار امام زاده علی بن جعفر شهر قم به خاک سپرده شد. از شاخصه‌های اخلاقی شهید جلالی نسب خادمی مجالس اهل بیت(ع) در هیئت رزمندگان اسلام قم و همچنین خدمت افتخاری در واحد تنظیف حرم فاطمه معصومه (س) بود...

کتاب شهدا و اهل بیت، ناصر کاوه
راوی: همسر شهید _ منبع: به گزارش ایسنا/قم

شهید احمد جلالی نسب



یا فاطمه زهرا

«عهد شهید با حضرت معصومه(س)؟»

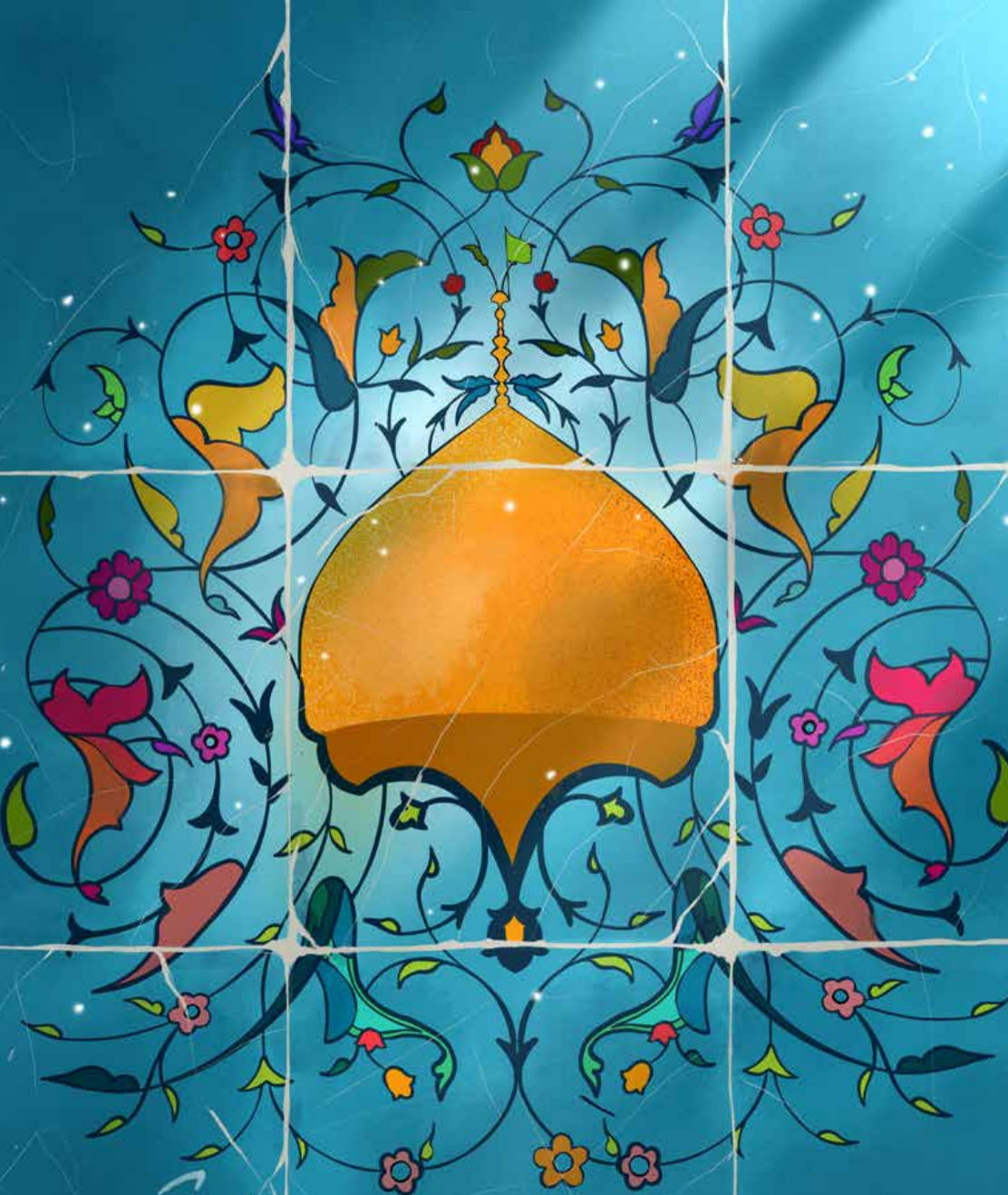
...در یکی از شهرها به محض اینکه کاروان حضرت معصومه(س) وارد آن شهر شد، دیدیم که تشییع یکی از شهدای مدافع حرم است و با اینکه قرار بود که از آن شهر به شهر دیگری برویم ولی به ما گفتند که به منزل این شهید بروید. به محض اینکه وارد خانه این شهید شدیم همسر شهید گفت: که شما را حضرت معصومه(س) فرستادند و تعریف کرد که چند ماه قبل من با همسر من نشسته بودیم و ایشان می‌گفت که ما برای همه اهل بیت(ع) در خانه مراسم گرفتیم غیر از حضرت معصومه(س). بنابراین دوفری عهد بستیم که امسال در روز رحلت حضرت معصومه(س) یک روزه برای ایشان در خانه بگیریم؛ این جریان گذشت و همسر من به سوره رفت و شهید شد و به قدری ما درگیر مراسم شهادت و تشییع بودیم که فراموش کرده بودم که ما با حضرت معصومه(س) چنین عهدی بسته بودیم تا اینکه شما به این شهر آمدید و قرار شد که به خانه ما بیایید؛ آن وقت آن عهدی که با شهید بسته بودیم یادم آمد و برای همین می‌گویم که شما را خود حضرت معصومه(س) فرستاده است.

کتاب شهدا و اهل بیت، ناصر کاوه

راوی: همسر شهید مدافع حرم

به نقل از: یاسر محمدی از خادمان و مداحان حرم مطهر





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ
عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
قَالَ قَالَ قَالَ قَالَ قَالَ قَالَ قَالَ قَالَ قَالَ قَالَ

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين



مزار آقاخان قاضی قاضی

صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي مُرَيْثَةَ

«شهید امام رضایی(ع)»

ابراهیم از یک طرف چشم به عملیات فردا دوخته بود و از طرف دیگر دل و جانش در زیر گنبد طلایی امام رضا(ع) پرپر می زد. می گفت: «چندین ماه است که سعادت خاک بوسی آقا را نداشته ام. دلم برای ضریحش یک ذره شده است. خاک جبهه هم که هزار ماشاء... از سر و شانه آدم بالا می رود؛ عجب دامن گیر است این خاک غریب.» فردای عملیات کربلای پنج اولین خبری که مثل موج انفجار در منطقه پیچید، خبر شهادت ابراهیم فرمانده گردان امام رضا(ع) بود. تلاش بچه ها برای پیدا کردن پیکر مطهرش بی نتیجه ماند. ابراهیم مثل عملیات های پیش، پلاکش را دور انداخته بود تا به آرزویش که همان گمنام ماندن پس از شهادت بود برسد. چند روزی از پیکر ابراهیم خبری نبود بعدها به همرزمانش خبر دادند پس از شهادت پیکر او شناسایی و به معراج شهدا انتقال داده شده است. چند روز قبل از شهادت به یکی از دوستانش گفته بود: «خیلی دلم پر می زند برای امام رضا(ع)، دوست دارم بروم زیارت امام رضا(ع).» بعد از شهادت، جنازه ابراهیم اشتباهی به سمت مشهد رفته بود و طبق رسم مشهدی ها دور حرم طواف داده شد. یکی از بچه های لشکر از روی اسم تابوت، متوجه ماجرا شد و به این ترتیب پیکر ابراهیم پس از زیارت امام رضا(ع) به شیراز و بعد هم به کازرون منتقل شد.

کتاب شهدا و اهل بیت، ناصر کاوه
راوی: هم‌رزم شهید باقری نژاد _ منبع: تسنیم

شهید ابراهیم باقری زاده



صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي مُوسَى الْمُرْتَضَى

«شگفتانه امام رضا (ع)»

شهید مدافع حرم عبدالله زاده ارادت خاصی به ساحت امام رضا (ع) داشت. و عاشق زیارتش از صحن گوهرشاد بود و خودش را مقید کرده بود که حداقل سالی چند بار پابوس آقا برود. وقتی از مأموریت برمیگشت، بعد از دیدن پدر و مادر، بار سفر را می‌بست و همراه با همسر و فرزندانش راهی دیار امام رئوف (ع) می‌شد. وقتی وارد صحن گوهرشاد می‌شد، بعد از عرض ادب به ساحت امام رضا (ع) یک گوشه‌ای می‌نشست و یک دل سیر به گنبد طلای حرم نگاه می‌کرد و بعد مشغول خواندن زیارت جامعه کبیره می‌شد. گاهی اوقات که خیلی مشغولیت داشت، بلیط قطار می‌گرفت و فقط چند ساعت زیارت می‌کرد و بعد از زیارت هم راهی راه آهن می‌شد و به تهران برمی‌گشت، به اطرافیان می‌گفت: این زیارت چند ساعته خیلی حال می‌ده و آدم می‌تواند به آقا بگه یا امام رضا، فقط به عشق خود شما آمدم و الان هم بر می‌گردم. البته حسن این چند سال آخر به واسطه کارهای زیاد که داشت موفق نشده بود به پابوس آقا برود. برای همین دلش برای یک اَلْسَلَامٌ عَلَیْكَ یا عَلِیِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا گفتن در صحن گوهرشاد تنگ شده بود. هر بار که صحبت از مشهد می‌شد، یک آهی از ته دلش می‌کشید و می‌گفت: یک سال می‌شود که نتوانستم پابوس مولا بروم. وقتی پیکر شهید عبدالله زاده به ایران بازگشت، خانواده این بار شگفتانه‌ای خاص برای او که عاشق امام رضا (ع) بود، آماده کرده بودند، اتفاق از جنس زیارت سه چهار ساعته حرم. همراهان پیکر خونین این شهید را در حالی در اطراف ضریح امام رضا (ع) طواف می‌دادند که انگار حسن آقا در آن حال به امامش می‌گفت: «أَوْفَيْتُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ؟»

کتاب شهدا و اهل بیت، ناصر کاوه

راوی: همسر شهید _ منبع: خبرگزاری فارس

شهید حسن عبدالله زاده





دوای شایسته کائنات حضرت امام رضا (ع)



سیدالشهدا امام رضا (ع) در مشهد مقدس

یا فاطمه زهرا

«عنایت حضرت معصومه(س) به مادر سه شهید!؟»

... در یکی از شهرها با هماهنگی رئیس بنیاد شهید آن شهرستان هم که در ماشین ما بود بدون خبر دادن به مادر شهیدی که خانه اش در مسیرمان بود و مادر سه شهید نیز بود، همراه با کاروان حضرت معصومه(س) به سوی منزل ایشان حرکت کردیم.

قبل از رسیدن کاروان ما، مادر سه شهید که همسایه مسجد بود، سه بار به مسجد آمده بود و هر بار می‌گوید:

من مطمئن هستم که امروز خادم‌های حضرت معصومه(س) که به شهر ما آمده‌اند، امروز به خانه من هم می‌آیند.

در راه پرسیدم که خانه این مادر شهید کجاست؟
راه را به ما نشان دادند.

وقتی خانه‌ای را که نشان داده بودند زنگ زدیم، همین که زنگ درب خانه به صدا درآمد، با اینکه ما به مادر شهید اصلاً اطلاع نداده بودیم که با کاروان حضرت معصومه(س) به آنجا می‌رویم و معلوم نبود که چه وقتی به آن مسجد برویم و از آنجا به خانه ایشان برویم، اما همینکه درب منزل باز شد و ما حیاط را مشاهده کردیم، دیدیم که این مادر شهید اسفند دود کرده بود و میوه و شیرینی هم آماده کرده و آماده، رو به ما کرد و گفت:

من منتظر شما بودم و می‌دانستم که خانم شما را می‌فرستد.

کتاب شهدا و اهل بیت، ناصر کاوه

راوی: همسر شهید مدافع حرم

به نقل از: یاسر محمدی از خادمان و مداحان حرم مطهر



یا قاضی فیما بیننا و بینکم

«عنايت حضرت معصومه (س) به همسر شهيد!؟»

... در یکی از شهرها وقت نماز مغرب و عشا برنامه‌ای در امامزاده آن شهر داشتیم و یک زمان نیم ساعته از برنامه قبلی اضافه آمد و داشتیم مسیر را به سمت امامزاده می‌رفتیم و رئیس بنیاد شهید آن شهرستان هم در ماشین ما بود؛ من به او گفتم که می‌شود یک خانواده شهید هماهنگ کنید که به خانه آنها برویم. ایشان هم گفت: یک شهید مدافع حرم داریم که خانه اش در مسیرمان است و زنگ زد و هماهنگ کرد تا ما به خانه آن شهید برویم. ما رفتیم در زدیم و همسر شهید درب را باز کرد و به قدری گریه می‌کرد که نمی‌توانست با ما صحبت کند و حدود ده دقیقه این فضا حاکم بود و ما هم تبرکات را به ایشان دادیم و پرچم را بردیم که زیارت کنند و از آنجا رفتیم بعد از اینکه رفتیم و حال همسر شهید بهتر شده بود. به ما تماس گرفت و گفت من دو بچه کوچک دارم که خیلی بی‌تابی می‌کردند و دیروز خیلی از نظر روحی حال خوبی نداشتم و شب به حضرت زهرا (س) استغاثه کردم و دو رکعت نماز خواندم و خوابیدم، شب در خواب دیدم درب خانه را می‌زنند درب را که باز کردم دیدم یک بانوی نورانی محجبه روبروی خانه ما بودند و فرمودند تعارف نمی‌کنی به خانه شما بیایم؟ وقتی ایشان را تعارف کردم دیدم جمعیتی در خانه ما هستند بانو بنده را بخاطر رعایت حجاب تحسین کرد؛ در همین عالم خواب به ایشان گفتم چه می‌شد که فردا روز دختر است ما در حرم شما می‌بودیم؛ همین که امروز رئیس بنیاد شهید به من زنگ زد که خادمان حرم به خانه شما می‌آیند با اینکه می‌دانستم که این بانو کریمه هستند ولی هیچوقت اینگونه با تمام وجودم کریمه بدونشان را احساس نکرده بودم و آن گریه من از خوشحالی بود که دعایم را اجابت کرده بودند...

کتاب شهدا و اهل بیت، ناصر کاوه

راوی: همسر شهید مدافع حرم

به نقل از: یاسر محمدی از خادمان و مداحان حرم مطهر





یا فاطمه علیها السلام معصومه

«حضور امام در حرم حضرت معصومه(س)»

در سال ۱۳۲۸ شمسی که برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم آمدم، امام خمینی را در مجالس عزاداری می دیدم. امام در بعضی از مجالس سوگواری ائمه اطهار(ع) که در مسجد بالاسر حضرت معصومه(ع) یا منزل مرحوم آیت الله العظمی بروجردی برگزار می شد، چنان با وقار و آرام می نشستند و گوش به سخنان واعظ یا روضه خوان داشتند که نظر هر بیننده ای را به خود جلب می کرد. امام در آن زمان، استاد سرشناس حوزه و مدرس علوم عقلی بودند. قامت رسا و قیافه جالب و آرامش خاص ایشان طوری بود که چه در راه رفتن و چه در نشستن در مجالس نظر بینندگان را جلب می کرد و کسی را در میان جمع علمای حوزه مانند ایشان نمی دیدیم. هنگامی که واعظ به «گریز» می رسید، یا روضه خوان شروع به خواندن روضه می کرد، حاج آقا روح الله خمینی نخستین کسی بود که دستمال سفید و تمیز خود را از جیب درمی آورد و به صورت می گرفت و گریه را سر می داد. اگر تکیه بر دیوار داده بودند، بدون حرکت و تکانی می گریستند و چنانچه خم می شدند، می دیدی که چطور می لرزند و اشک می ریزند و همین که دستمال از صورت برمی گرفتند، صورتی پراشک و چشمانی اشک ریخته را می دیدی که همان نیز دیگران را به گریستن و اشک ریختن در عزای شهیدان کربلا یا ائمه اطهار(ع) ترغیب می کرد.

کتاب شهدا و اهل بیت، ناصر کاوه

منبع: یادداشتی از مرحوم حجت الاسلام و المسلمین علی دوانی

رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران

امام خمینی(ره)



یا قاضی خانی

«نقش برجسته حضرت معصومه (س)»

... السلام عليك يا قرّة عين آل الرسول...

«بدون تردید نقش حضرت معصومه (س) در عظمت یافتن قم، این شهر عریقِ مذهبیِ تاریخی، یک نقش ما لا کلام فیهِ است. این بانوی بزرگوار با حرکتِ خود موجب شده است که این شهر به عنوان پایگاه اصلی معارف اهل بیت (ع) در آن دوره‌ی تاریکِ حکومتِ جباران بدرخشد و پایگاهی بشود که انوار علم و معارف اهل‌بیت را به سراسر دنیای اسلام از شرق و غرب منتقل کند.» ۲۹/۷/۱۳۸۹...

«این بانوی بزرگوار، این دختر جوانِ تربیت‌شده‌ی دامان اهل‌بیت پیغمبر، با حرکتِ خود در جمع یاران و اصحاب و دوستان ائمه (علیهم‌السلام) و عبور از شهرهای مختلف و پاشیدن بذر معرفت و ولایت در طول مسیر در میان مردم و بعد رسیدن به این منطقه و فرود آمدن در قم، موجب شده است که این شهر به عنوان پایگاه اصلی معارف اهل‌بیت (علیهم‌السلام) در آن دوره‌ی ظلمانی و تاریکِ حکومتِ جباران بدرخشد و پایگاهی بشود که انوار علم و معارف اهل‌بیت را به سراسر دنیای اسلام از شرق و غرب منتقل کند.» ۲۹/۷/۱۳۸۹...

کتاب شهدا و اهل بیت، ناصر کاوه

منبع: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای



مقام معظم رهبری
امام خامنه‌ای

عَلَيْكُمْ سَلَامٌ
فَاطِمَةُ كَرِيمَةٌ
الْمَعْصُومَةُ





عَلَيْهِمْ سَلَامٌ مِمَّنْ أَرْسَلْنَاكَ
بِآيَاتِنَا وَمُخَلَّفَاتِنَا

بِآيَاتِنَا وَمُخَلَّفَاتِنَا

هشت شهید فاطمه معصومه

هشت شهید، هشت خادم، حضرت معصومه (ع)

خادمینی که از حرم حضرت معصومه (س) به شوق دفاع از حرم حضرت زینب (س) از قم به دمشق رفتند تا دین خود به خاندان اهل بیت (ع) را به گونه‌ای دیگر ایفا کنند. حرم حضرت معصومه (س) هشت نفر از خدامانش را تقدیم دفاع از حرم حضرت زینب (س) کرده است... **شهیدان** مدافع حرم حجج اسلام محمدعلی قلی زاده و محمدحسن دهقانی، همچنین مهدی ایمانی، مصطفی نبی‌لو، مجید عسکری جمکرانی، علی اکبر عربی، حمید مختاربنند و احمد جلالی نسب توفیق خادمی حضرت معصومه (س) را داشتند.

عَلَيْهِمْ سَلَامٌ مِمَّنْ أَرْسَلْنَاكَ
بِآيَاتِنَا وَمُخَلَّفَاتِنَا

عَلَيْهِمْ سَلَامٌ مِمَّنْ أَرْسَلْنَاكَ
بِآيَاتِنَا وَمُخَلَّفَاتِنَا

عَلَيْهِمْ سَلَامٌ مِمَّنْ أَرْسَلْنَاكَ
بِآيَاتِنَا وَمُخَلَّفَاتِنَا

عَلَيْهِمْ سَلَامٌ مِمَّنْ أَرْسَلْنَاكَ
بِآيَاتِنَا وَمُخَلَّفَاتِنَا

وَمَا كُنَّا كَرِيمًا مِمَّنْ أَرْسَلْنَاكَ
بِآيَاتِنَا وَمُخَلَّفَاتِنَا

وَمَا كُنَّا كَرِيمًا مِمَّنْ أَرْسَلْنَاكَ
بِآيَاتِنَا وَمُخَلَّفَاتِنَا